

الهه اینشوشیناک

کوروش به دنیا آمد و حالا چگونه شد که او قدرت چهار گوشه را به دست گرفت

ظه‌ور کوروش را نیمه قرن ششم ق. م باید از معجزات حوادث تاریخ، حداقل برای بقای نژاد آریایی شمرد. در این سالها، دو حکومت بسیار مقتدر و قوی و در عین حال ثروتمند در آسیای صغیر و دشتهای غربی ایران وجود داشت که یکی دولت لیدی و دیگری دولت بابل بود

اتحاد آریایی

حدود نیم قرن قبل از آن، یکی از شاهان دلیر کشور کوچک ماد، هووخشتر که از ترکتازی و تجاوزات مالی و مرزی دولت عظیم آشور واقع در حدود موصل و کرکوک به تنگ آمده بود با لشگری ساحشور ولی کم تعداد به نینوا پایتخت عظیم هفت حصار بندی آشور حمله برد و اتفاقاً جنگ را برد و نینوا «شهر خون آشام» طعمه آتش شد و دولت آشور بکلی از صفحه روزگار محو گردید و نام نینوا فقط برای ضبط در تاریخ باقی ماند. اما دولت ماد هنوز ضعیف تر از آن بود که بتواند حواشی فرات و دجله را تا سواحل سیحون و از ارس تا دریای کنگ را تحت یک حکومت قرار دهد.

به سوی مرغزارهای بهشت

بدتر از آن اینکه دولت دیگری در مغرب ایران وجود داشت که بابل بود و با از بین رفتن دولت آشور، این دولت بیشتر جان گرفت. مملکتی که پایتخت آن در زمان خودش نظیر نداشت. دیواری که ۳۰۰ پا ارتفاع و ۷۵ پا عرض آن بود، آن را محافظت می کرده. مردم این شهر غرق در عیش و عشرت بودند و در مردم فحشا مقدس بوده تا حدی که کاهنان بابلی در معابد خویش بجای راز و نیاز با خدایشان به فحشا می پرداختند

ایران باستان ص ۳۸۱

پایتخت قارون

کمی دور تر کشور لیدی بود، سرزمینی که ثروت پادشاه مقتدرش کروزوس که باید او را قارون روزگار خودش نام برد همه سواحل غربی آسیای صغیر و جزایر دریای اژه ومدیترانه و حتی شهرهای یونان را برده و بنده خود ساخته بود. ثروت و خزانه

کرزوس کار را به آنجا کشیده بود که کاهن معبد دلف به نفع او از خدایان الهام می گرفت . یکی از معابد رومیان قدیم . که خدای آن دلف نام داشت . زائرین به این معبد می رفتند و به مدت سه روز تمام به نیایش می نشستند. آنتنی و کلوپاتر. در چنین موقعیتی بود که کوروش قیام کرد . او متوجه بود که پادشاه خودکامه و و جابر ماد نخواهد توانست سرزمین را اتحاد بخشد , نخست به فکر تسخیر ماد افتاد و در سال ۵۵۵ ق . م بود که همدان سقوط کرد . کوروش توانست با اتحاد طوائف پارس و ماد و مکران و پارت وحد آریایی را پدید آورد . این وحدت به او این قدرت را بخشید که به فکر تسخیر سارد افتد و برای انجام این منظور قبل از آنکه اتحاد میان سارد و بابل پیش آید به نواحی غربی تاخت و تا بابل خواست از خواب شهوت آلود برخیزد سارد در هم کوفته و کرزوس از تخت پادشاهی پایین آمد .

بابل

پس از آن نوبت بابل بود . بابل خطری بزرگ برای ایران محسوب می شد . علاوه بر این یک انگیزه دیگر نیز کوروش را به فتح بابل می انگیزد و آن ظلم و جوری بود که نام بُختُ نصر در گوشها افکنده بود . پادشاهی که قلاب زنجیر را به زبان یکی از مخالفین خود کوفت و او را چون سگ به پایه تخت خود بست ! حاکمی که با دست خود با خنجر مطلا و مرصع چشمان پادشاه فلسطین را از کاسه بیرون کشید و معبد سلیمان را آتش زد و دستور داد زیباترین اسرای یهود را اعم از دختر و پسر برگزیدند و زبان و چشم آنها را بریدند و بیرون کشیدند و احشا آنها را بدر آوردند و زنده زنده پوست از تن آنان کردند و سپس آنها را به دار آویختند

روایت آلبرشاندور

روحانیون بابل اعلامه ای صادر کردند که طی آن گفته بودند : نبونید .. خیالهای بد کرد و در پرستش مردوک رحم آورد و در جستجوس پادشاهی عادل شد , و آن پادشه را که انشان طلبید کسی جز تو کوروش نیستی پس از صدور بیانیه روحانیون کوروش اعلامیه معروف خود را که باید اولین اعلامیه معروف خود را منتشر کرد بدین طریق کوروش توانست با ایجاد مرکزیت و قدرت نژاد آریایی را از ظلم و ستم برهاند کوروش علاوه بر مقام حکومت و سلطنتی خود یک جنبه اخلاقی و روحانی نیز یافته است که در میان همه حکمرانان عالم منحصر به فرد است و آن موهبتی خدائی است که کمتر نصیب اهل سیاست می شود . کوروش سرمشق اخلاق و نمونه یک انسان آزاد و نماینده یک حقیقت روحانی و خدایی یعنی وسیله نجات بندگانش از بردگی و اسارت بود.

در رابطه با کودکی این مرد بزرگ افسانه ها و داستانهایی وجود دارد که همه آنها به یک نکته اشاره می کنند و آن هم بزرگ شدن کوروش توسط ماده سگی بوده و همین فسانه را هم برای زرتشت داریم که می گویند زرتشت را پس از آنکه زاده شد به لانه گرگ افکندند . بهمن و سروش پرهیزگار میش کریشه رابه سوراخ گرگ بردند و او تمام روز نرم نرم به بچه شیر داد . این دو موجود که همیشه با هم در نزاع هستند در کنار هم باعث نجات زرتشت شدند . از آن روز به بعد میش را گوسفند خواندند که به معنی گاو مقدس است .

پژوهشی در اساطیر ایران ، مهرداد بهار

یکی از این داستان ها به این صورت است که هرودوت نقل کننده داستان کوروش را به کوهستان برند و چوپانی او را میابد و به منزلگاه خویش می برد . همسرش در داغ بچه از دست رفته خویش که چند روز بیشتر عمر نکرده می سوخته طفل را در آغوش می گیرد و شیر می دهد . جالب آنکه هرودوت این زن را به نام اسپاگو یاد کرده که معنی لغوی این کلمه ماده سگ می باشد . بسیاری از قهرمانان تاریخ داستان ولادت غیر عادی دارند . چون مردم عوام در آن زمان به افسانه پردازی علاقه وافر داشتند . اما واقعی ترین این داستان ها به این صورت می باشد که کوروش در طفولیت مورد بی لطفی پدر بزرگ خویش قرار می گیرد طوری که آن پیر مرد از گفته های نجامان و رمالان شنیده بوده کوروش در آینده او را از تخت سلطنت پایین می کشد و او هم برای جلوگیری از این فاجعه دختر و نوه اش را از خویش می راند و دخترش در جنگل در کلبه ای زندگی می کرده . روزی بسیار بیمار می شود به طوری که به مدت دو روز نمی تواند پسر خویش را شیر بدهد و ماده گرگی به کلبه آن ها می آید و طفل را شیر می دهد .

همان طور که می بینید در این مورد افسانه های زیادی پرداخت شده است در مورد آنها مبالغه هایی هم صورت گرفته اما از قدیم گفتند تا نباشد چیزی که مردم نگویند چیزها .

اما جریان واقعی از این قرار است که :توسط بخت نصر از یهود دخترانی به اسارت برده شده اند برخی را به مشرق فرستادند و یکی از آنها به ازدواج شاه در آمد به اسم دینارد . او برای لهراسب پسری به دنیا آورد به نام کوروش .

کتاب مروج الذهب

کاخ بزرگ شوش را داریوش اول پیش از ساختن آپادانا در تخت جمشید بنا کرد . از آنجا که تخت جمشید پایتختی دینی بوده منطقی می نموده است که یک مرکز سیاسی هم پیش بینی شود . کاخ برازنده داریوش در شوش دور تا دور یک حیاط بر روی

یک گورستان کهن عیلامی ساخته شده بود. کتیبه ای که از آنجا به دست آمده گزارش جالبی از ساختمان این کاخ به دست می دهد. این کتیبه که می توان تقریباً یک قرارداد ساختمانی (پیمانکاری) نامید احتمالاً راهنمای با ارزشی برای فنونی است که در ساختمان های مشابه در تخت جمشید و سایر مراکز هخامنشی به کار رفته است. وقتی قدرت و ثروت امپراطوری هخامنشی به سرعت رو به فزونی یافت. داریوش کار ایجاد یک شهر آیینی ویژه را در تخت جمشید آغاز کرد. تاسیس چنین مرکز بزرگ قدرت زمینی به صورت شهر مینوی اساطیری ساخته شده بود و جای موثری برای دعا و نیایش فراهم آورده و امنیت و رفاه را به همه اقوام این امپراطوری هدیه کرد. از این رو شاید با پیروی از نقشه های کوروش، داریوش در حوالی سالهای ۵۱۶ تا ۵۱۸ ق.م ساخت بناهای عظیم تخت جمشید را آغاز کرد. هنگامی که اسکندر در سال ۳۳۰ ق.م آن را ویران ساخت هنوز کاملاً به اتمام نرسیده بود. تحقیقات نشان می دهد که ساختمان های انتهایی نیمه تمام است.

و در آخر داریوش هم برای خود مقبره ای طرح کرد که این مقبره در دل کوه قرار داشت و این عمل نشان می دهد که پادشاهان ایران کوه را مظهر قدرت و پایداری می دانستند. مقبره داریوش در دالانی بسیار طویل بنا شده است که سر در این دالان چهار ستون قرار دارد و در قسمت بالایی آن حجاریهایی حاکی از سربازان هخامنشی است و در قسمت تحتانی تصاویری از صحنه های جنگ حجاری شده است.

دخمه ها و مقبره ها پس از گذشت ایام تغییرات فراوانی کردند ولی زمانی که داریوش آرامگاه خود را در نقش رستم نزدیک تخت جمشید در سینه کوه حجاری می کرد طول ستونهای ورودی دخمه دلالت بر طولی آن داشته است مزار کوروش کبیر. اون طوری که در کتاب اطلاعات معماری کهن و تاریخ معماری نوشته شده پی اول ان بنا از قد آدمی بلندتر بوده. حالا ممکنه که بعد از گذشت ایام این پی زیر خاک رفته باشه و از ارتفاعش کم شده باشه مثل اهرام مصر.

مقارن سال ۵۶۰ ق.م دو دولت نیرومند آریای ماد و پار با هم متحد شدند و بدین ترتیب امپراطوری ایران تشکیل شد. این وقتی بود که کوروش کبیر نخستین شاه هخامنشی پدربزرگش را که بر مادها پادشاهی داشت از تخت به زیر افکند. به دست این مردان خارق العاده، یعنی کوروش و داریوش اول، سراسر آسیا تسخیر شد و ایران به نخستین امپراطوری بزرگ جهان بدل گشت و ۳۲۰ سال دوام یافت. از نیل تا جیحون و از دریای اژه تا رود کنگ عصر نوینی آغاز شده و ثبات بی سابقه ای ایجاد گردیده بود، حکومت مقتدر بر پا شد و شبکه ارتباطی کارآمدی تجارت را تشویق می کرد و ثروت هنگفتی پدید آورده بود

کوروش به عنوان نخستین نمایش قدرت به ساختن مجموعه کاخها و معابد پاسارگاد در استان جنوبی فارس پرداخت . در کتیبه ای نصب شده بر ستون بلند خود را شاه هخامنشی خواند . این نخستین کانون امپراطوری ، معرف سبک معماری هخامنشی است و منشاء آن را به خوبی آشکار می سازد . در پاسارگاد کوروش را در بنایی با سقف شیبدار به خاک سپردند .

مزار کوروش دارای ۶ پله است که رو به بالا از ارتفاعشان کاسته می شود . پیداست که حتی برای نخستین شاه هخامنشی نیز ، کوه و شکل نمادین آن به اندازه بین النهرین اهمیت داشته است . ابعاد مقبره در مقایسه با بناهای بعدی هخامنشی متناسب تر است . ولی مقیاس واقعی آن را زمانی می توان در یافت که در نظر بگیریم پایین ترین پله یا پی آن بلندتر از قامت آدمی بوده است . این بنا را پیش از مرگ کوروش در سال ۵۲۹ قبل از میلاد ساخته بودند و هر چند او در جنگی در دوردستهای شمالی خاوری کشته شد ، جسدش را برای دفن کردن به این مکان آوردند . علاوه بر این تنها بنای باقی مانده پاسارگاد اینک ویران است و مشکل می توان دریافت که شکل آن چگونه بوده است .

.. هشت بند یادگراری از کوروش کبیر روحش شاد باد ..

اینک که به یاری مزدا تاج سلطنت ایران و بابل و کشورهای جهات اربعه را به سرگذاشته ام اعلام می کنم که تا روزی که زنده هستم و مزدا توفیق سلطنت را به من می دهد دین و آئین و رسوم ملتتهائی که من پادشاه آنها هستم محترم خواهم شمرد و نخواهم گذاشت که حکام و زیر دستان من دین و آئین و رسوم ملتتهائی که من پادشاه آنها هستم یا ملتتهای دیگر را مورد تحقیر قرار بدهند یا به آنها توهین نمایند

من از امروز که تاج سلطنت را بر سر نهاده ام تا روزی که زنده ام و مزدا توفیق سلطنت را به من میدهد هرگز سلطنت خود را بر هیچ ملتی تحمیل نخواهم کرد و هر ملتی آزاد است که سلطنت مرا بر خود قبول کند یا ننماید و هرگاه نخواهد مرا پادشاه خود بداند من برای سلطنت بر آن ملت مبادرت به جنگ نخواهم کرد

من تا روزی که پادشاه ایران هستم نخواهم گذاشت کسی به دیگری ظلم کند و اگر شخصی مظلوم واقع شد من حق وی را از ظالم خواهم گرفت و به او خواهم داد و ستمگر را مجازات خواهم کرد

من تا روزی که پادشاه هستم نخواهم گذاشت مال غیر منقول یا منقول دیگری را به زور یا به نحو دیگر بدون پرداخت بهای آن و جلب رضایت صاحب مال تصرف نماید و من تا روزی که زنده هستم نخواهم گذاشت که شخصی دیگری را به بیگاری بگیرد و بدون پرداخت مزد وی را به کار وا دارد

من امروز اعلام می کنم که هر کسی آزاد است که هر دینی را که میل دارد بپرستد و در هر نقطه که میل دارد سکونت کند مشروط بر اینکه در آنجا حق کسی را غصب ننماید و هر شغل را که میل دارد پیش بگیرد و مال خود را به هر نحو که مایل است به مصرف برساند مشروط بر اینکه لطمه به حقوق دیگران نزند

من اعلام می کنم که هر کس مسئول اعمال خود می باشد و هیچ کس را نباید به مناسبت تقصیری که یکی از خویشاوندانش کرده مجازات کرد و مجازات برادر گناهکار و بر عکس به کای ممنوع است و اگر یک فرد از خانواده یا طایفه ای مرتکب تقصیر می شود فقط مقصر باید مجازات گردد نه دیگران.

من تا روزی که به یاری مزدا زنده هستم و سلطنت می کنم نخواهم گذاشت که مردان و زنان به عنوان غلام و کنیز بفروشند و حکام و زیر دستان من مکلف هستند که در حوزه حکومت و ماموریت خود مانع از فروش و خرید مردان و زنان بعنوان غلام و کنیز بشوند و رسم بردگی باید به کلی از جهان برافتد

پایه های ارگ بم هنوز پا برجاست ؟ به راستی چه طور پی های این بنای بزرگ و عظیم بعد از گذشت سالها توانسته فشارهای زلزله را تحمل کند؟ اما ساختمان هایی که شاید نصف قدمت این بنا را نداشتند این طور فرو ریختند ؟

در سال ۱۸۰۴ ساخت شهر تازه بم در جنوب غربی شهر کهنه آغاز گردید و در اواخر قرن نوزدهم و در آغاز قرن بیستم این شهر رونق اقتصادی چشمگیری یافت و بناهای عمومی متعددی در آن برپا گردید . در حدود سال ۱۹۰۰ جمعیت شهر تقریباً ۱۳۰۰۰ نفر بود و آخرین مرکز بازرگانی آسیایی به شمار می رفت . رونق و ثروت بم به حدی بود که از لحاظ تعداد کاروان سراها و حجم امور بازرگانی ، آن را هم تراز کرمان می دانستند

بم ، این شهر کوچک بزرگترین محل سکونت در گذشته بوده است . بافتی پیوسته دارد و در حاشیه جنوبی دشت لوط قرار دارد . در گذشته مرکز شهرستان بوده و تاریخی متنوع و پر از فراز و نشیب دارد . این شهر در کنار جاده ای قرار گرفته است که ایران غربی را به هندوستان و نیز استانهای فارس و کرمان را در باختران و استان سیستان را در خاور به هم مربوط می سازد . علاوه بر این بم از طریق جیرفت در جنوب با ساحل خلیج فارس ارتباط دارد . بم در دوران پیش از اسلام پی ریزی شده و رونق آن مربوط به قرن دهم میلادی است . در آن زمان بم یکی از پنج شهر مهم سرزمین کرمان بوده است .

ارگ بر روی بلندترین ارتفاعات طبیعی قرار دارد که در حدود ۴۵ متر بلندتر از جلگه بم می باشد . در پای این ارگ خرده سفالهای دوران قدیم که باران آن ها را از ارگ به طرف پایین شسته دیده می شود . هیچ تردیدی نیست که ارگ فعلی به جای

ارگ قدیم تر بنا شده است . در آن زمان باروی شهر دست کم چهار دروازه داشته است (معنی کلمات برج و بارو این است که در زمام قدیم برای محافظت از شهرها دور آن ها را دیوارهای بلندی می کشیدند و در چهار گوشه یا پنج گوشه آن برج های عظیمی بنا می کردند و از آن محل مشغول دیده بانی می شدند و در آخر اینکه تعداد دروازه های هر شهر بسته به اهمیت آن شهر داشته است) ممکن است تصور کرد که این شهر , حداقل یک کجور شرقی - غربی و یم محور شمالی - جنوبی داشته است و در اطراف آنها را دکانها و کارگاه ها جای گرفته بودند .

استحکامات بم یکی از مستحکم ترین برج و باروهای شهرهای قدیمی ایران است . این استحکامات مشتمل بر دیواری بلند و ستبر گلی و خندقی عمیق و وسیع و خشک است و در هر جبهه شش برج دارد .

این تاریخچه کوتاهی بود از بزرگ ترین بنای خستی دنیا

اوستا نام کتاب دینی ایرانیان زرتشتی می باشد

زند - پازند - غالبا اوستا را با واژه زند با هم می آورند یا اوستا زند می گویند , کلمه زند از آزنتی و به معنی گزارش و ترجمه

است پازند مخفف پات زند است به معنی دوباره گزارش یا ترجمه مجدد . منظور از پازند آن بود که زند یعنی ترجمه پهلوی

اوستا را به فارسی دری برگردانده و به خط اوستایی می نوشتند . زمان تالیف اوستا را از ۶۵۰۰ تا ۶۰۰ قبل از میلاد گفته اند اما

ظاهرا قول صحیح مربوط به ۲۵۰۰ قبل از میلاد می باشد

نویسندگان یونانی اشاره می کنند که کتاب زرتشت در دومیلیون شعر به روئیتشان رسیده است . همچنین مطابق اخبار و روایات

بسیار , از روزگاران باستان اوستا بر دوازده هزار پوست آهیخته گاو به آب زر نوشته بوده

در زمان ساسانیان کتاب عظیمی فراهم شد , به نام « دینکرد » که در واقع فرهنگ نامه ای بزرگ بود از همه علوم و فنون و

هنرها و تاریخ و آثار ادبی هرچند پس از اسلام دینکرد نیز بارها از میان رفت و دگر بار تدوین و بازنویسی شد . در حال حاضر از

نه کتاب این مجموعه , جلد اول و دوم و مقداری از کتاب سوم مفقود است و در کتاب هشتم دینکرد , خلاصه و فهرست مطالب

بیست و یک نسک اوستا برای ما بجای مانده است